

گزارش ادبی هفته

این کتاب مشکوک است

◀ **مرضیه رسولی**

کتاب‌ها را به خاطر اینکه کسی تعریف‌شان را برایشان کرده، می‌خریم، به خاطر اینکه نویسنده‌اش را می‌شناسیم و قبلاً از او خوانده‌ایم. به خاطر اینکه ناشر و مترجم را می‌شناسیم و سلیقه‌هایشان را به خودمان نزدیک می‌دانیم. به خاطر اینکه برنده جایزه‌ای شده که به انتخاب آن جایزه اعتماد داریم. اینجا آنقدر طرح جلد‌ها غیرحرفه‌ای است که کمتر می‌شود کتابی را به خاطر طرح جلد خویش خرید. تک و توک هستند آدم‌هایی که کتاب را از روی اسمش می‌خرند. تک و توک هستند آدم‌هایی که نوشته پشت جلد کتاب‌ها را بخوانند و تصمیم به خرید بگیرند؛ نوشته‌هایی که اغلب در اینجا هیچ کارکردی ندارند و وظیفه‌شان بر کردن فضای خالی است. دست به ریسک نمی‌زنیم. کتابی نمی‌خریم که همه چیزش برایشان تازگی دارد. وقت‌مان و پول‌مان اجازه نمی‌دهد. ماجراجویی از روزهایمان رخت بر بسته است. شما نگاه کنید به تصمیم‌های دیگر زندگی می‌بینید همین‌طور هستند. چیزی که انتخابش مشکوک به از دست رفتن سرمایه‌تان است انتخاب نمی‌کنید. روایتی هست که می‌گوید نبین کی می‌گه ببین چی می‌گه. این در مورد حجیم‌ها صدق نمی‌کند و کتاب حجیم است. در مورد حرفه‌ایی‌که تمامی ندارد صدق نمی‌کند. شما ناگزیر هستید اول به گوینده توجه کنید و بعد پای حرف‌هایش بنشینید. این، فرصت ماجراجویی، فرصت کج شدن از مسیر همیشگی را می‌گیرد؛ فرصت از یک جا داخل شدن و از جای دیگر سر درآوردن را. غیرمنتظره بودن را. کتاب‌هایی توی قفسه‌ها نشستند که تا به حال کسی نگاه‌شان نکرده و ورق‌شان زده فقط به گناه اینکه نویسنده‌اش را نمی‌شناسیم و تضمینی برای خوب بودن و دلخواه بودن به ما نمی‌دهد. شاید کسی باشد که بی‌توجه به همه این گارانتی‌ها کتابی خریده باشد و ضرر کرده باشد و پشت دستش را داغ گذاشته باشد که دیگر چشم‌پسته سراز چیزی نرود. شاید کسی باشد که بی‌توجه به گارانتی‌ها کتابی خریده باشد و آن کتاب شده باشد کتاب بالینی‌اش. اما ما کمتر اهل خطر کردن هستیم. چون دنبال امنیت می‌گردیم؛ دنبال چیزی که بار مسوولیت‌مان را به دوشش بگذاریم. همیشه چیزها در کمین‌اند که ما از دست‌شان بدهیم.

کتاب‌های تازه

تا دل‌تان بخواهد مجموعه داستان ایرانی دارد چاپ می‌شود. از آنها می‌گذریم، چون زیادند. تازگی رمانی از ماریو بارگاس یوسا منتشر شده که اسمش «اُهی به سوی بهشت» ترجمه گوین یزدان‌پناه است. این رمان درباره زندگی «پُل کوئین (نقاش) و مادر بزرگ گوگن» فلورا ترستان است که نویسنده و فعال جنبش‌های سوسیالیستی بوده. این رمان را یوسا در سال ۲۰۰۲ نوشته و در سال ۲۰۰۴ به زبان انگلیسی منتشر شده است. ناشر کتاب نشر علم و قیمتش ۱۲۵۰ تومان است.

رمان «گفت‌وگو در کاندرال» هم به چاپ سوم رسید که قیمتش ۱۵ هزار تومان است. نشر چشمه هم رمانی از محمدرضا کاتب به اسم «رام‌کننده» منتشر کرده که قیمتش پنج هزار تومان است. حسن کامشاد گزیده‌ای از گفت‌وگوهای مجله پاریس ریویو با نویسندگان سرشناس را ترجمه کرده که اسمش «هنر داستان‌نویسی» است. گفت‌وگوها درباره نوشتن و چگونه نوشتن است. اول کتاب یادداشتی از اورهان پاموک به عنوان مقدمه آمده است که درباره گفت‌وگوهای پاریس ریویو است. در این کتاب گفت‌وگوهایی از گراهام گرین، جیمز تیرر، ترومن کاپوتی، ارنست همینگوی، سال بلو، یودورا ولتی، کورت ونه گات، جیمز بالدوین، رابرت استون و تونی منتشر شده. کتاب را نشر نی با قیمت ۶۸۰۰ تومان چاپ کرده.

یاران چه غریبانه بستند و رفتند

نشر نی مغازه کتابفروشی‌اش را بست و رفت. هنوز کرکره‌ها پایین هستند و مغازه تغییر کاربری نداده. شاید باز آنجا تبدیل به کتابفروشی شود و شاید هم نه. اما تو خیابان کریم‌خان آن طرف چهارراه روه‌روی نشر ثالث، نشر ایی هم دارد مغازه را می‌فروشد.

محمدحسین طباطبایی مدیر نشر آبی در

گفت‌وگو با مهر درباره فروش مغازه می‌گوید: «من قریب به ۱۸ سال است که این کتابفروشی را در خیابان کریم‌خان دایر کرده‌ام. پیش از آن هم در خیابان سنایی بودیم که آنجا هم مشکلات خود را داشت ولی روال اقتصادی که بر فروشگاه فعلی حاکم است بیش از توان من است. بیش از توانم هم تاکنون استقامت کرده‌ام و دیگر نمی‌توان ادامه داد. من از اول هم می‌دانستم که کتابفروشی درآمزا و سودده نیست و در همه این سال‌ها هم سودی از کتابفروشی به دست نیاوده است و این نه فقط مشکل من و چند کتابفروشی دیگری که قرار است ساختمان‌شان را بفروشند، است بلکه کلاً کار کتابفروشی به تنهایی سود ندارد و اگر ما هم در کتابفروشی آبی تا امروز دوام آورده‌ایم به دلیل کار نشر بوده است و از آن طریق توانستام حقوق پرسنل را پرداخت کنم»

ویستار هم یکی دیگر از کتابفروشی‌های کریم‌خان است که قرار است فروخته‌شود.

فرخنده حاجی‌زاده مدیر نشر ویستار می‌گوید: «دلیلی که مرا وادار کرد کتابفروشی را برای فروش بگذارم، تنگنای مالی بود. دیگر همکارانم هم در دیگر کتابفروشی‌ها که اقدام مشابهی می‌کنند حتماً دلایل خاص خودشان

سال پنجم، ■ شماره ۱۱۵۶ ■ یکشنبه ۱۹ دی ۱۳۸۹



را دارند که مشکلات مالی یکی از آنهاست و برای هر فرد شدت و ضعف خاصی دارد ولی برای من مهم‌ترین دلیل مشکلات اقتصادی بود.»

قیمت کاغذ و مقوا

در هفته گذشته بازار کاغذ هم از طرح هدفمندی یارانه‌ها بی‌نصیب نماند. ابتدا نایب‌رئیس شرکت تعاونی صنف چاپخانه‌داران از افزایش بهای انواع کاغذ و مقوا و از جمله افزایش ۲۶ درصدی قیمت گلاسره در یک روز خبر داد.
میریونس جعفری که خود یک چاپخانه به نام جامی دارد و از خریداران کاغذ محسوب می‌شود، در گفت‌وگو با مهر این وضعیت را ناشی از صدور مجوز افزایش حمل و نقل به ترابری‌ها دانست و نسبت به توقف فعالیت واحدهای چاپی در آستانه شب عید و هم‌زمان با افزایش سفارش‌های آنها هشدار داد. در عین حال منصور حاجی‌آخوندیان رئیس اتحادیه صنف فروشندگان کاغذ و مقوای تهران اطلاعات جعفری را نادرست دانست و گفت: فروشندگان کاغذ و مقوا و اعضای اتحادیه تغییر خاصی در قیمت‌هایشان اعمال نکرده‌اند. به هر حال در اینکه بازار کاغذ در هفته اخیر از طرح هدفمندی یارانه‌ها متأثر شد، شکی نیست چون خود رئیس اتحادیه کاغذ و مقوای تهران تفاوت

قیمت را در بازار کاغذ رد نکرد و با ذکر مثالی گفت: ممکن است در جایی مقوای «انبربور» کره جنوبی را ۱۷۰۰ تومان بفروشند ولی این همیشگی نیست و به ندرت پیش می‌آید.

زنگ بزئید اینجا

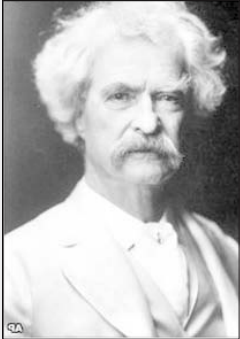
قیمت کتاب به وضوح گران شده. نگاهی به پشت جلد کتاب‌ها ببندازید و ببینید که کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای دو برابر پارسال قیمت خورده است. باید مدام خرج کرد.

می‌گویند اگر دیدید قیمت پشت جلد کتابی با آنچه فروشنده از شما مطالبه می‌کند، فرق دارد به شماره ۱۲۴ زنگ بزئید. آنجا بخش مشارکت‌های مردمی وزارت بازرگانی است. اپراتور می‌گوید: «در صورت فروش کتاب با برچسبی که با قیمت درج‌شده در کتاب مطابقت ندارد، نشانی، نام کتابفروشی و کتاب را با این سازمان با شماره ۱۲۴ در میان بگذارید. بازرس این سازمان به محل رفته و با تحقیق لازم و بررسی و در صورت اثبات تخلف، گزارش لازم را ارائه می‌کند تا دادگاه برای تعیین جریمه آن واحد متخلف اقدام کند.» اما تکلیف کتاب‌هایی که ۱۰ سال از انتشارشان می‌گذرد، چه می‌شود؟ کتاب باید به قیمت همان سال فروخته‌شود. صبر کنید زنگ بزئم برسرم.

چهره هفته

«هاکلبری فین» و ۲۱۹ مورد اصلاحیه

نسخه‌های جدید «هاکلبری فین» و «تام سایر» دو اثر کلاسیک مارک تولین با حذف اشاره‌های نژادی به چاپ رسید. به گزارش خبرنگرانلین، این عبارات نژادی در زمان خود بسیار رایج بودند. چاپ جدید این دو اثر اعتراضات بسیاری در امریکا در پی داشته است. در نسخه جدید علاوه بر تغییرات دیگر، جیم همراه هاک فین در سفرش دیگر یک «کاکاسیاه» نیست و «برده» خوانده می‌شود و «جو سرخک» هم به «جو سرخپوست» بدل شده آن گرپین متخصص آثار تولین که مسئول چاپ نسخه‌های جدید است، گفت به این دلیل تصمیم گرفته در «ماجرای‌های هاکلبری فین» تمامی ۲۱۹ مورد «کاکاسیاه» را با «برده» جایگزین کند که نسخه اصلی رمان برای بسیاری توهین‌آمیز بود. گرپین در دانشگاه لوپرن مونتهگمری در آلاباما پروفیسور رشته ادبیات است و در گفت‌وگو با رادیو ملی امریکا هدفش را نجات دادن دو کتاب که از آثار محبوب ادبیات کودکان امریکا هستند، خواند؛ و اثری که به دلیل زبان بحث‌انگیزشان، در مدارس از آنها استفاده نمی‌شود. سیستم‌های آموزشی مختلف این کتاب را فقط به دلیل زبان آن در مواجهه با رنگین‌پوستان سازگار نمی‌دانند. گرپین افزود: «واژه «کاکاسیاه» چه در گذشته و چه در حال تحقیر‌آمیز و ناپسندتر از هر توهین دیگری برای سیاهپوستان است. این واژه معادل دیگری در زبان انگلیسی ندارد و به همین دلیل واژه «برده» را جایگزین کردیم.» اما نسخه جدید و اصلاح‌شده این پروفیسور ادبیات اعتراضات گسترده‌ای در پی داشته است. بسیاری معتقدند زبان کتاب‌ها، همان چیزی بوده که دو رمان را به ابزاری برای به تصویر کشیدن دوران بد تاریخ امریکا بدل کرده. باربارا جونز مدیر دفتر آزادی متفکران در انجمن کتابداری امریکا گفت: «کتاب «ماجرای‌های هاکلبری فین» توسط یکی از پرکارترین و متفکرترین نویسندگان و ناظران قرن نوزدهم و بیستم امریکا نوشته شده است.» وی ادامه داد: «مارک تولین از نمایش کاستی و ضعف‌شورش واهمه نداشت، او به عمد واژه «کاکاسیاه» را به کار برده است، او نژادپرست نبوده.» روزنامه «نیویورک تایمز» نیز روز پنجشنبه با تیتَر «این تولین نیست» بر نسخه جدید این دو اثر تاخت. در مقدمه چاپ جدید آمده‌است: «می‌ترسیم فکر می‌کنیم اغلب خوانندگان هم همین وحشت را داشته باشند. هیچ راهی برای «تمیز کردن» زبان مارک تولین بدون لطمه زدن به حقیقت اثر وجود ندارد.»



◀ **کافکا به کتابفروشی**

زد تو کار داستان

ظاهرش به جنوبی‌ها می‌خورد. لجه‌اش هم. آمد توی کتابفروشی و سراغ کتاب‌های همینگوی را گرفت. مجموعه داستان‌هایش را می‌خواست. بعد پرسید کلاس داستان‌نویسی خوب کجا سراغ دارم. من چند جایی را که می‌شناختم و بلد بودم معرفی کردم. بعد گفتم حالا چرا می‌خواهد برود کلاس داستان‌نویسی. گفت تازه زده توی کار داستان. دقیقاً همین جوری گفت. گفت تازه زده‌ام توی کار داستان و می‌خواهم داستان‌های توهمی بنویسم. به خاطر همین باید بروم کلاس داستان‌نویسی. کتاب‌های تئوریک هم می‌خواست. درباره مبانی داستان‌نویسی و این جور چیزها. گفتم تصمیم گرفته‌اید داستان‌نویس شوید یا قبلاً هم می‌نوشتید؟ گفت می‌نوشتم ولی از وقتی آمده‌ام اینجا برای هر کس می‌خوانم می‌گوید اینجا بیشتر شبیه خاطره است تا داستان. دلم برایش خیلی سوخت. چند کتاب معرفی کردم. گفت خودتان خوانده‌اید. گفتم بعضی‌هایش را. بعضی‌ها هم تعریفش را شنیده‌ام. اعتماد کرد و خرید. من هم یک زمانی دلم می‌خواست شاعر یا نویسنده بزرگی بشوم. خوب نشدم. روزنامه‌نگاری آدم را بیچاره می‌کند. همه وقت و خلاقیتی که باید برای نوشتن داستان خرج کنی می‌گذاری پای نوشتن یک گزارش درست و حسایی. گزارش چاپ می‌شود، چند نفر به‌به و چه‌چه می‌کنند، دو سه نفری هم زنگ می‌زنند و می‌گویند گزارشت را در روزنامه خوانده‌اند؛ دو سه نفری که از خودمان هستند. یعنی روزنامه‌نگارند. مخاطب اصلی اما گزارش را نمی‌خواند. مخاطب اصلی با گزارش من در بهترین حالت شیشه‌های خانه‌اش را پاک می‌کند یا آنها را پهن می‌کند زیر سبزی خوردن روزانه‌اش. مخاطب اصلی مرا و گزارش مرا تحویل نمی‌گیرد.

توی دنیای کتاب هم همین‌طور است. همین وضعیت است. مخاطب اصلی کتاب‌ها بی‌خیال خواندن کتاب‌ها هستند. کتاب‌ها بین یک عده آدم که اسمش را گذاشته‌اند مخاطب خاص یا جدی ادبیات دست به دست می‌چرخد. انگار کنید که کتاب مثل یک ماشین افتاده باشد توی میدانی که هیچ خیابانی بهش وصل نمی‌شود. کتاب همین دور دور میدانی می‌چرخد. می‌چرخد و می‌چرخد و دست آخر خب معلوم است چه اتفاقی می‌افتد. همه چیز تکراری است. نفقه‌ها، برداشت‌ها، واکنش‌ها و هر چیز دیگری که شما فکرش را بکنید.

چند وقت پیش شنیدم یکی از ناشران بزرگ کتاب‌های کمک درسی و کنکوری تصمیم گرفته کتاب‌هایی هم در زمینه ادبیات کودک چاپ کند. طبیعی است که آدم خوشحال می‌شود. می‌گوید چه خوب! چون چنان ناشری با چنان سرمایه‌ای حتماً اصولی کار خواهد کرد. خبرهایم هم که می‌رسید خوشحال‌کننده بود. اینکه رفته بودند سراغ آدم‌های کاربلد و از آنها خواسته بودند در نقش مشاور برای نمایشگاه سال دیگر تعدادی کتاب خوب کودک در بیاورند. ولی آخرش چه شد؟ ناشر مربوطه نشسته بود دودو تا چهار تا کرده بود و دیده بود برایش نمی‌صرف زیر ۳۰ هزار تیراژ کتاب در بیاورد. بعد دیده بود کتاب کودک خیلی فروش داشته باشد دو سه هزار جلد است. این است که بی‌خیال چنین کاری شده بود. دیده بود بچسبید به همان کتاب‌های کمک درسی و کنکوری بهتر است. عطایش را به لقایش بخشیده بود. این جوری است که افسردگی از سر و روی آدم می‌بارد. چون می‌بینی هر چه جلوتر می‌روی انگار عقب‌تر رفته‌ای. لاقل سِر جایب ساکنی نامنده‌ای که دلت خوش شود یک موقعیت تثبیت‌شده داری. حالا این وسط زور من کتابفروش به کجا می‌رسد. به چه می‌رسد؟ من کتابفروش، «او»ی ناشر، آن یکی که خواننده‌ها برای ادبیات و کلا کتاب است، مادری که دلتش می‌خواهد به جای خریدن سی‌دی‌های رنگارنگ برای بچه‌اش کتاب بخرد، همه و همه. همگی‌مان تک و تنهایم. هر کدام یک گوشه‌ای برای خودمان افتاده‌ایم داریم حرص می‌خوریم. از دست زمین و زمان. حرص خوردن‌مان هم هیچ دردِی را دوا نمی‌کند. چون به هیچ نتیجه مشخصی ختم نمی‌شود. فقط خودمان را فرسوده می‌کنیم.

◀ **گزارش**

ده تن از شخصیت‌های ادبی جهان که در سال ۲۰۱۰ درگذشتند

در سال ۲۰۱۰ برخی از چهره‌های ادبی جهان درود حیات گفتند که به معرفی ۱۰ تن از آنها می‌پردازیم.

به گزارش ایسنا به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی «کلمبیا تریبون» در سال ۲۰۱۰ جامعه ادبی جهان با چند تن از برجسته‌ترین فعالان خود برای همیشه خداحافظی کرد که از آن جمله می‌توان به نویسندگان بنامی چون «جی دی سلینجر» و «ژوزه ساراماگو» اشاره کرد. «جروم دیوید سلینجر» نویسنده املار آمریکایی و خالق رمان معروف «اتاتور دشت»، که شهرتی جهانی برای وی به ارمغان آورد، در سال ۲۰۱۰ در ۹۱ سالگی درگذشت. رمان «اتور دشت» او به تمام زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده و سالانه حدود ۲۵ هزار نسخه در جهان فروش دارد. موقتیت «اتاتور دشت» موجب شهرت فراوان این نویسنده شد، اما او با گوشه‌نشینی از مردم دوری می‌کرد تا حدی که طی سه دهه گذشته هیچ مصاحبه‌ای از وی در رسانه‌های جهان منتشر نشد.

از دیگر آثار مشهور او می‌توان به «فرانی و زویی»، «جنگل واژگون»، «یادداشت‌های شخصی یک سرباز» و «نغمه غمگین» اشاره کرد. علت مرگ وی کهپول سن اعلام شد. از دیگر نویسندگان جهان که در سال گذشته میلادی درگذشت، «ژوزه ساراماگو» بی‌ترغالی بود که رمان «کوری» او از شهرتی جهانی برخوردار است.

وی که در سال ۱۹۹۸ موفق به کسب نوبل ادبیات شد، اولین رمان خود را در سال ۱۹۴۷ به نام «کشور گناه» منتشر کرد، اما موفق نبودن این کتاب موجب شد نویسنده‌گی را کنار بگذارد، تا اینکه ۲۵ سال پس از آن، در سال ۱۹۸۲، رمان «بالتازار و بلموند» را نوشت که ترجمه فراوانی برایش به همراه آورد.

از دیگر آثار این نویسنده بی‌ترغالی می‌توان «فاره»، «سال مرگ بیکاردو» و «همه نام‌ها» را نام برد. وی در ۸۷ سالگی در تاریخ ۱۷ ژوئن ۲۰۱۰ (۲۷خردادماه) دار فانی را وداع گفت. «وسیل کلیفتون» شاعر و نویسنده‌ای آمریکایی بود که در فوریه سال گذشته میلادی در ۷۳ سالگی درگذشت. وی اولین نویسنده‌ای بود که دو کتاب شعرش به مرحله نهایی جایزه ادبی «پولیتزر» راه یافت. او همچنین در سال ۲۰۰۰ جایزه شعر ملی را به خاطر یکی از مجموعه‌های شعرش دریافت کرد. از دیگر شاعران درگذشته در ۲۰۱۰، «پیتِر نوبل فردریک پورتر» مشهور به «پیتِر پورتر» بود که در ۸۱ سالگی به‌درو حیات گفت. این شاعر استرالیایی در طول عمرش جوایز ادبی بسیاری به دست آورد که از آن جمله می‌توان به مدال طلایی «ملکه» سال ۲۰۰۲ و جایزه شعر کتاب سال ۲۰۰۹ اشاره کرد. «فرانک کرمود» منتقد آثار ادبی و بنیانگذار خانه منتقدان کتاب لندن هم از دیگر چهره‌های ادبیات جهانی بود که در ۹۰ سالگی در سال گذشته فوت کرد. از آثار این منتقد ادبی می‌توان «مجموعه پاپان»، «تصویر مالتی» و «زبان شکسپیر» را نام برد. «کرمود» در سمت استاد ادبیات معاصر انگلیسی در کالج لندن و دانشگاه کمبریج تدریس می‌کرد. «رنارد کلاول» برنده جایزه ادبی گنگور از نویسندگان سرشناس ادبیات فرانسه بود که در ۸۷ سالگی در سال ۲۰۱۰ درگذشت.

«کلاول» که اولین حرفه‌اش کار در نانوائی بود، اولین رمان خود را در سال ۱۹۵۶ با نام «کلاولر شب» منتشر کرد. او در پنج فعالیت ادبی بیش از ۴۰ رمان نوشت که معروف‌ترین آنها «میوه‌های زمستانی» بود که جایزه گنگور معتبرترین دستاورد ادبیات فرانسه را در سال ۱۹۶۸ برایش به ارمغان آورد.

«هاروی پکر» نویسنده سری کتاب‌های کیمیک «امریکن اسپلندر» نویسنده‌ای ۷۰ساله بود که در سال گذشته میلادی درود حیات گفت.

از دیگر چهره‌های ادبی که در سال ۲۰۱۰ درگذشت، «اریک ولف سگال» بود. این نویسنده و فیلم‌نامه‌نویس آمریکایی بیشتر به خاطر نوشتن رمان پرفروش «داستان عشق» (۱۹۷۰) به شهرت رسید.

«ای اگال» شاعر و نویسنده‌ای آمریکایی بود که در ۶۲ سالگی در سال گذشته میلادی فوت کرد. نام اصلی این زن شاعر «فلورانس آنتونی» بود که جایزه کتاب ملی را به خاطر مجموعه اشعارش با نام «شر» از آن خود کرد.

از دیگر چهره‌های ادبی که در سال ۲۰۱۰ درگذشت می‌توان به «یلا آخمداولینا» شاعر روسی اشاره کرد. این زن شاعر سرودن شعر را از نوجوانی آغاز کرد و در سال ۱۹۶۲ اولین مجموعه شعر خود با عنوان «رشته» را منتشر کرد. او از شاعران برجسته و صاحب سبک روسیه به شمار می‌رفت که بسیاری از آثارش به زبان‌های گوناگون ترجمه شده است.

مجموعه اشعار «بلاغ» یکی از آثار منتشرشده اوست. این شاعر روسی در ماه نوامبر سال ۲۰۱۰ بر اثر حمله قلبی دار فانی را وداع گفت.

«سعد سعید» شاعر لبنانی هم از چهره‌های ادبی است که در سال ۲۰۱۰ درگذشت.

